

گفت‌وگو

مهسا کریمی



سال‌ها در نهاد کتابخانه‌های کشور کار می‌کرد، وقتی دید با مدرک دکترای علم اطلاعات، او را درگیر کارهای سطحی کرده‌اند، تصمیم گرفت علاقه‌اش به «کتاب» و ترویج «کتابخوانی» را در جای دیگری دنبال کند؛ جایی که بیشتر به او نیاز داشتند. او بدون اینکه توقع مالی داشته باشد و تنها در راستای مسئولیت اجتماعی اش، تصمیم گرفت با کمک همسرش که در یکی از کتابخانه‌های کاشمر کار می‌کند، گام‌های بزرگی بردارد. حالا در نتیجه این کارها، دانش آموزان کاشمر به کتاب و کتابخوانی علاقه‌مند شده‌اند؛ دانش آموزانی که تا پیش از این کتابی غیر از کتاب درسی ندیده بودند؛ زهرا نیکدل، استاد دانشگاه آزاد و دانشگاه فرهنگیان است، او می‌گوید پیشرفت فردی افراد از همان دوران کودکی شروع می‌شود، به همین دلیل عزمش را جزم کرده است کودکان کاشمر را با کتاب خواندن به سطوح بالاتری برساند.

به عشق کتابخوانی کودکان کاشمر

زهرا نیکدل: نظام آموزشی ما به سمت آموزش توصیفی تغییر کرده است و ارزشیابی کیفی هم دارد، اما در نحوه آموزش، اتفاق خیلی مؤثری نیفتاده بدتر اینکه نحوه تدریس معلمان به سمت و سوی این نوع آموزش نرفته است

جرعه ترویج کتاب و کتابخوانی در کاشمر از کجا در ذهن شما زده شد؟

کتاب‌های حوزه کودک که در شهرستان‌ها وجود دارد، عمدتاً سوپرمارکتی است؛ کتاب‌هایی که روی محتوا و تصاویر آن به خوبی کار نمی‌شود، به همین دلیل با کمترین قیمت در دسترس افراد قرار می‌گیرد، مشخص است عمده کسانی که در این شهرستان‌ها ساکن هستند و قصد تهیه کتاب برای فرزندشان را دارند، از همین کتاب‌های سوپرمارکتی استفاده می‌کنند، اما آن دسته از کتاب‌ها که ناشران به محتوا و تصاویر آن اهمیت زیادی می‌دهند و کمی قیمت‌شان بالاتر است، در شهرهای کوچک کمپای و گاهی نایاب است. از آنجا که رشته تحصیلی من، کتابداری است و به قول معروف با کتاب آشنایی داشتم، تصمیم گرفتم به همسرم که در کتابخانه مدرسه‌ای در کاشمر کار می‌کند، کمک کنم تا همسر او کتاب‌های بهتری را برای مدرسه‌شان انتخاب کنیم و این نقطه آغاز کارمان شد. سال ۱۳۹۴ بود که کتاب‌های مختلف و مناسب از ناشران متفاوت را انتخاب کردیم و با کمک خیرین آنها را خریدیم و به دست بچه‌های مدرسه رساندیم. همان شروع کار بازخورد‌های خوبی از این کار گرفتم تا جایی که معلمان هیومنای امیدوارکننده‌ای را از نحوه برخورد بچه‌ها با کتاب‌ها به ما می‌دادند.

تهیه کتاب برای چه گروه سنی و چه مقطع تحصیلی را مدنظر قرار دادید؟

ما بیشتر تمرکزمان روی مقطع ابتدایی بود تا آنها را خواندن کتاب‌های غیر استخوانی و آشنا کنیم و به کمک کتاب، آنها را رشد دهیم. همانطور که مستحضرید مطالعه باید از کودکی آغاز شود، بنابراین اگر یک کتاب خوب در دسترس بچه‌ها قرار بگیرد، ممکن است روند زندگی آنها در جهت مثبتی تغییر کند. بچه‌ها با خواندن کتاب خوب و قصه‌های آموزنده می‌توانند رشد کنند و به بالندگی برسند. برخی نویسندگان بزرگ و معروف نیز این مسئله را تأیید می‌کنند، مثلاً یکی از آنها، آلفرد هوشگ مرادی کرمانی است که می‌گوید با خواندن چند کتاب در دوران کودکی‌اش علاقه‌مند به کتاب شده و به مرور زمان به سمت نویسندگی رفته است. این نشان می‌دهد تنها قرار گرفتن چند کتاب خوب در زندگی کودکان تأثیرات خیلی خوبی بر جای می‌گذارد. برای همین مقطع ابتدایی بسیار اهمیت زیادی دارد و ما همه تلاش‌مان را صرف دانش آموزان ابتدایی کاشمر کردیم؛ دانش آموزانی که عمدتاً کتابی غیر از کتاب درسی‌شان ندیده بودند و نداشتند.

نظام آموزشی کشور ما بر آموزش توصیفی تأکید دارد، پس چطور در برخی مناطق محروم کتابی غیر از کتاب درسی وجود ندارد؟

ایراد کار همین جاست. نظام آموزشی ما به سمت آموزش توصیفی تغییر کرده و ارزشیابی کیفی هم دارد اما در نحوه آموزش، اتفاق خیلی مؤثری نیفتاده، بدتر اینکه نحوه تدریس معلمان به سمت و سوی این نوع آموزش نرفته است. شاید یکی از دلایلش این باشد که والدین با این نوع تدریس‌های محتوایی آشنا نیستند و میلی هم به آن ندارند. عمده خانواده‌ها ظاهر کار را می‌بینند و آنها از معلم فقط درس و آموزش کتاب درسی را می‌خواهند، یعنی حتی اگر معلمی بخواهد سر کلاس برای بچه‌ها داستان بخواند، ممکن است با مخالفت خانواده‌ها روبه‌رو شود؛ این رو ما احساس نیاز کردیم و سراغ خرید کتاب برای بچه‌های ابتدایی

سایه روشن تاکسی‌های برقی

در شرایطی که شهرداری تهران اولین مرحله واگذاری تاکسی‌های برقی را کلید زده معایب و مضرات این طرح هنوز محل بحث است

گزارش سجاد آذری

«داده‌های شرکت کنترل کیفیت هوای تهران نشان می‌دهد طی سال ۱۴۰۲ تهرانی‌ها ۱۰هزار هوای پاک و ۱۲روز هوای ناسالم تنفس کرده‌اند.» این خبر رسانه‌ها در روزهای ابتدایی سال جاری نشان‌دهنده شرایط سختی است که ساکنان پایتخت در سال گذشته و سال‌های قبل از آن تجربه کرده‌اند. آلودگی هوا مشکلی است که از پیش از انقلاب در تهران مطرح بوده و هنوز هم حل نشده است. در شرایطی که در بیش از ۱۰سال گذشته به مسئله نوسازی وسایل نقلیه و مخصوصاً خودروهای عمومی که سهم بسیار زیادی در آلودگی هوا دارند، بی‌توجهی شده و فقط با شدت گرفتن آلودگی هوا، چشم‌ها به آسمان بود تا باد و بارانی توده‌های آلودگی را از شهرهای کشور دور کند، مدتی است گفته می‌شود راه‌حلی برای این مشکل قدیمی در حال پیدا شدن است.

ناچیز به نظر می‌رسد. در شرایطی که قائمی، عضو شورای شهر تهران نیز تأکید دارد: «حتی یک خودروی برقی هم هنوز موفق به دریافت پلاک تاکسی نشده و فقط وعده ورود خودروی برقی داده شده و شواهد و گزارش‌ی از عملکرد اجرایی وجود ندارد.» ولی شهرداری تهران بارها اعلام کرده است قصد دارد میزان قابل توجهی از وسایل نقلیه برقی را وارد شهر تهران کند و گزارش‌های اعلام‌شده از سوی رسانه‌های مربوط به شهرداری از برنامه‌ریزی شهرداری برای آماده‌سازی زیرساخت‌های تردد ۴۰هزار تاکسی برقی که ۱۰هزار تای آن قرار است ون باشد، خبر می‌دهند و همچنین گفته شده قرار داد ۶۵هزار تاکسی برقی با دولت نیز منعقد شده است؛ برنامه‌ریزی‌هایی که اگر عملیاتی شود هنوز تا رسیدن به میزان قابل قبول تاکسی برقی در تهران که بتواند تأثیر بسزایی در وضعیت آلودگی شهر تهران داشته باشد، مسیری طولانی در پیش دارد.

■ **تاکسی‌های برقی به چه کسانی خدمات می‌دهند**

مسئله دیگری که درموضوع تاکسی‌های برقی مطرح است اینکه آیا این خودروها که همانطور که گفته شد در کشور ما جزو خودروهای لوکس محسوب

می‌شوند، در سطح شهر به عنوان تاکسی نیز تردد خواهند داشت یا نه. سرپرست سازمان تاکسیرانی شهر تهران با بیان اینکه به گفته شورای عالی ترافیک



طی دو هفته آینده وضعیت پلاک‌گذاری تاکسی‌های برقی تعیین تکلیف می‌شود.ابراز امیدواری کرده بود این خودروها به رانندگان تاکسی واگذار خواهد شد. وی رنگ تاکسی‌های برقی را طبق مصوبه شورای عالی ترافیک آبی فیروزه‌ای اعلام و خاطرنشان کرده بود؛ با توجه به اینکه خودروهایی که در گام‌های اول وارد کشور شدند، مشکی و سفید هستند؛ مقرر شد این خودروها از طریق نصب برچسب‌های آبی فیروزه‌ای اجازه تردد در شهر بگیرند. همچنین وی گفته بود: وزارت کشور از محل ۴۰گونی که قرار بود تحویل بدهند، ۹۲ اون را تحویل داده - که ۴۰ن هوز پلاک‌گذاری نشده است. با توجه به آنچه گفته شد، هر چند به نظر می‌رسد این خودروها به رانندگان تاکسی واگذار شوند، ولی باید منتظر بود و دید آیا خودروهای فیروزه‌ای رنگ برقی در سطح شهر به مسافر کشی مشغول می‌شوند یا فقط در بخش‌های مخصوص و به افراز خاصی خدمات ارائه خواهند کرد.

■ **شهرداری تهران در حال آماده‌سازی**

زیرساخت‌های وسایل نقلیه برقی

شهرداری‌تهران، مدیرعامل سازمان حمل‌ونقل و ترافیک شهر تهران اخیراً در تشریح کارهای انجام‌شده در خصوص خودروهای برقی ضمن تأکید بر ضرورت برقی‌سازی ناوگان حمل‌ونقل پایتخت این طرح را دارای اثرگذاری ویژه بر وضعیت و کیفیت زندگی شهروندان دانسته و بر لزوم بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آن، در کنار اثرات حمل‌ونقلی در سطح شهر تهران تأکید کرده است. مدیرعامل سازمان حمل‌ونقل و ترافیک شهر تهران مکان‌یابی و طراحی ایستگاه‌های شارژ و وسایل نقلیه برقی (به تفکیک اتوبوس، تاکسی، خودرو شخصی و موتورسیکلت) با در نظر گرفتن معیارهای ترافیکی (اثرسنجی ترافیکی)، زیرساخت‌های (دی‌بمان و تأمین برق ایستگاه‌ها) و مکانیکی موردنیاز و الزامات معماری و شهرسازی را از مهم‌ترین موضوعاتی دانست که در مطالعات طرح شهرداری تهران وارد خواهد شد؛ رقمی که البته تا تردد چندصدهزارتایی خودرو در تهران بسیار

■ **«خودروی برقی» راهکار فرار از بحران بنزین و آلودگی**

وزیر صمت از ابتدای کار خود طرح برقی کردن خودروهای کشور را در دستور کار قرار داده و شهرداری تهران نیز در این زمینه در حال همراهی وی است. در شرایطی که میانگین میزان بنزین مصرفی کشور در تعطیلات بهار امسال به بیش از ۱۲۲میلیون لیتر رسید و عملاً نه تنها تمام تولید بنزین کشور در حال استفاده داخلی است بلکه دولت مجبور شده است سهم ویژه‌ای از بودجه سال جاری را نیز برای واردات این محصول در نظر بگیرد، خودروهای برقی از جمله راهکارهایی هستند که برای فرار از بحران بنزین و آلودگی هوا اندیشیده شده است. در این شرایط البته برخی معتمد هستند بهتر بود دولت به جای خودروهای برقی با سرمایه‌گذاری روی خودروهای گازسوز تلاش می‌کرد از وضعیت فعلی عبور کند؛ ایده‌ای که یک بار دیگر نیز تجربه شده است و در هر صورت به شکل کامل اجرایی نشد. به نظر می‌رسد به همین دلیل دولت ترجیح داده است این بار شانس خود را با خودروهای برقی بیازماید.

■ **خودروی برقی «وسيله نقلیه‌ای لوکس یا کاربردی»**

هر چند موضوع خودروهای برقی به تازگی در کشور ما مطرح شده ولی این نوع وسیله نقلیه اکنون در بسیاری از کشورهای پیشرفته

کتاب‌های حوزه کودک که در شهرستان‌ها وجود دارد عمدتاً سوپرمارکتی است؛ کتاب‌هایی که روی محتوا و تصاویر آن به خوبی کار نمی‌شود، به همین دلیل با کمترین قیمت در دسترس افراد قرار می‌گیرد، واضح است عمده افراد همین کتاب‌ها را برای فرزندشان می‌خرند

بر برخی هم با مشکلات فراوان این تحصیلات راه اتمام می‌رسانند و حتی به دانشگاه هم می‌روند. جالب است بدانید افرادی مانند اینشتین و ادیسون و برخی دیگر از دانشمندان موفق دنیا نیز نارساخوانی داشته‌اند.

با وجود بی‌توجهی‌های نظام آموزشی کشور نسبت به نارساخوانی، شما چطور با آن آشنا شدید؟

من خودم در دوران کودکی مبتلا به این مسئله بودم، در حالی که مشتاق خواندن و نوشتن بودم اما وقتی وارد مقطع دوم ابتدایی شدم، نمی‌توانستم بخوانم و بنویسم. هنوز هم با مدرک دکتر مشکل نارساخوانی یا خوانش برینسی را دارم. در واقع این مشکل را کسی نمی‌تواند بفهمد، مگر اینکه مبتلا به آن باشد؛ از آنجا که این پدیده را در میان بچه‌ها در بحث کتابخوانی می‌دیدم و به خوبی درکشان می‌کردم، توانستم اطلاعاتی درباره آن کسب کنم و با آن آشنا شوم. در حال حاضر نیز تمام تلاش‌م را می‌کنم این مشکل نارساخوانی را حداقل به والدین و معلمان منتقل کنم تا آنها با درک بیشتری با بچه‌های نارساخوان برخورد کنند. این مسئله مهم را به همه معلمان جدیدی که در دانشگاه فرهنگیان آموزش می‌بینند و برای‌شان تدریس می‌کنند، انتقال دادم. این در حالی است که عمده آنها با این پدیده آشنا نیستند و ممکن است نسبت به بسیاری از خانوادها و معلمان‌شان، بچه‌ها را متمم به کون بوبن کنند.

آرزوی‌تان چیست؟

آرزویم این است که جامعه کتاب‌خوان ما، با کودکان و ادبیات آشنا شود، به نظر من یکی از راه‌های اصلی موفقیت ما این است که با سبک کتاب‌های جدید کودک آشنایی پیدا کنیم، آنها را بهتر بشناسیم و برای رشد آینده‌سازان کشور تمام تلاش‌مان را انجام دهیم. همچنین یکی دیگر از آرزوهایم این است که بچه‌های نارساخوان شناخته و پرورده شوند چرا که این بچه‌ها ذهن تصویرگری خیلی قوی‌ای دارند و باید در جهت توانایی‌ها و استعدادهای‌شان سوق داده شوند. بدون شک آنها می‌توانند مخترعان و نقاشان خیلی موفقی شوند.

چرا شناسایی و توجه به کودکان نارساخوان در سیستم آموزش و پرورش کشور ما جدی گرفته نشده است؟

شاید به این دلیل باشد که زیربنای کارآماده نیست، معلم اصول تشخیصی کودک نارساخوان را نمی‌داند، به همین دلیل نمی‌تواند آنها را شناسایی کند. در حالی که مراکز یادگیری و اختلالات داریم و کودک نارساخوان می‌تواند به این مرکز معرفی شود اما به دلیل عدم تشخیص، اصلاً آنها شناسایی نمی‌شوند که معرفی شوند. به علاوه اینکه این کودکان به دلیل هوش بصیری بالایی که دارند، شکل کلمات را به حافظه می‌سپارند و طوری کتاب را می‌خوانند که تصور می‌کنید در خواندن هیچ مشکلی ندارند. آنها طوری رفتار می‌کنند و تکنیک‌های مختلفی را به کار می‌برند که کسی مشکل‌شان را تشخیص ندهد، در صورتی که اگر در کلاس‌های اولیه این مشکل در دانش آموز ابتدایی درست تشخیص داده شود، درصد زیادی از آنها می‌توانند درمان شوند و تحصیلات‌شان را تا مدارج بالاتر پیش ببرند، آن وقت این فقر سلسله‌وار از نسلی به نسل بعد نیز منتقل نمی‌شود.

اینها مسائل مهمی است که نظام آموزشی کشور باید توجه ویژه‌ای به آنها داشته باشد و زیرساخت‌های لازم را برای انجام‌شان فراهم کند.

گفت‌وگو

کتاب‌های حوزه کودک که در شهرستان‌ها وجود دارد عمدتاً سوپرمارکتی است؛ کتاب‌هایی که روی محتوا و تصاویر آن به خوبی کار نمی‌شود، به همین دلیل با کمترین قیمت در دسترس افراد قرار می‌گیرد، واضح است عمده افراد همین کتاب‌ها را برای فرزندشان می‌خرند

پرورشی کمک گرفته شود. بعد از موافقت آموزش و پرورش، کلاس‌های آموزشی برای معلمان برگزار و آنها را با کتاب، قصه و قصه‌خوانی آشنا کردیم. آموزش در این کلاس‌ها در زمینه کتابداری، نحوه چیدمان کتاب‌ها، نوع معرفی کتاب و قصه‌خوانی بود. گاهی از برای دیدن کتابخانه‌های مدارس دعوت می‌شد که می‌دیدم هر سال رده‌بندی خاصی برای کتابخانه‌ها در نظر گرفته بودند، البته هر سال این رده‌بندی تغییر می‌کرد، به همین دلیل در کلاس‌های آموزشی به معلمان، رده‌بندی اصولی را یاد دادیم که خوشبختانه متمرع واقع شد و بعدها در کتابخانه‌های مدارس نتیجه‌اش را می‌دیدم.

باز خورده‌ها از برگزاری این کلاس‌ها چه بود؟

بعد از برگزاری کلاس‌ها، معلمان درخواست می‌دادند که کلاس‌ها تکرار شود و این برای ما یک دستاورد مهم بود. عمده آنها می‌گفتند بچه‌های مدرسه‌شان لذت خواندن را فهمیده‌اند و دارند به عادت به مطالعه کتاب سوق پیدا می‌کنند. شنیدن این جملات برای‌مان خیلی لذت‌بخش بود.

آرزوی شما برای آینده مدارس و دانش آموزان کشورمان چیست؟

پیش از اینکه درس‌اره آرزویم صحبت کنم، باید از آشنایی‌ام با نارساخوانی بچه‌ها بگویم، یعنی بچه‌هایی که کلانی‌توانند بخوانند؛ من در این مدت تا تعدادی از بچه‌های نارساخوان آشناشدم که دغدغه خودم هم بوده است. عمده بچه‌های نارساخوان از سطح هوش متوسط رو به بالا برخوردارند اما وقتی وارد مقطع ابتدایی می‌شوند، در خواندن و نوشتن دچار مشکل خواهند شد، به همین دلیل به تنبل بودن متهم می‌شوند، در صورتی که اینطور نیست.

چطور این بچه‌ها از سطح هوش متوسط و بالایی برخوردارند اما در خواندن و نوشتن دچار مشکل می‌شوند؟

مغز این بچه‌ها توانایی زیادی دارد اما در خواندن و نوشتن دچار مشکل می‌شود و برای‌شان سخت است. این نارسایی در همه دنیا وجود دارد و باید بگویم درصد بالایی از بچه‌ها را نیز شامل می‌شود، به طوری که هر ۱۰ نفر، دو نفر مبتلا به این نارساخوانی هستند. اما این مسئله در کشور ما ناشناخته است و توجه چندانی به آن نمی‌شود، به همین دلیل این مشکل در

آنها تشخیص داده نمی‌شود که این مسئله موجب ترک تحصیل برخی از آنها خواهد شد. گاهی برخی از بچه‌های نارساخوان تا ششم ابتدایی ادامه تحصیل می‌دهند

